

ویژه نهم رمضان الکریم  
پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

# روز شمار ماه خوب خدا

## پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۴۰۰

روز شمار ماه خوب خدا





# ماهی هفت پرده

روزشمار مهمان ماه خوب خدا

صاحب امتیاز: اداره کل راهبری امور فرهنگی جهاد دانشگاهی  
مدیر مسئول: عادل تقوی  
سردبیر: پویا پایداری  
طراح گرافیک: سید علی اکبر عبداللهی  
خطاط: استاد سید محمد جاویدان  
توصیه های اخلاقی: آیت الله محسن غرویان  
تفسیر قرآن: پویا پایداری  
مروری بر نهج البلاغه: فرزانه بزرگیان  
برداشت فلسفی: حمید امیدی  
انتخاب اشعار: احمد راهداری  
سفر آیینی: رحیم یعقوب زاده، زینب یوسفی، صدرا عمویی  
میزان فرمان انسان در روزها: فرزین پور محبی  
انجام مصاحبه ها: پوریا جوادی  
گردآوری دیدگاه های مخاطبان: ارشیا عبدی  
داستان کوتاه: حسین رهاد  
معرفی کتاب: بهاره راد  
انتخاب موسیقی: سمانه عنبری  
تیم فنی و پشتیبانی فضای مجازی: امیرحسین اسدی، محمد رضارحمانی  
و پوریا جوادی



نشانی: خیابان انقلاب - خیابان فخر رازی - خیابان شهدای  
ژاندارمری شرقی شماره ۷۲

پایگاه اطلاع رسانی:  
[www.roytab.ir](http://www.roytab.ir)



بازتاب رویدادهای معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی



مرکز تولید محصولات چندرسانه ای فرهنگی  
سازمان جهاد دانشگاهی عواید نصرالدین طوسی



معاونت فرهنگی



وَحَبِيبَانَا صَيِّدِي الْحَمْدُ مِنَ زَاوِيَةِ الْجَمْعَةِ

حَدِيثُ بَيْتِ الْحَمْدِ



**زیباترین حسرت دنیا**

خوشبختان دو سرا که فرشتگان از رویت حال

خوششان نغمه سرائی میکنند

آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها، و بازگشت و مقام نیکو آنها راست.....

سوره رعد آیه ۲۹

زیباترین حسرت دنیا، رویت حال خوش و خوشبختی صالحان است

همانانی که در باور چون ریشه ای عمیق، تنومند هستند

در عمل، چون سرو راست قامت ایستاده اند

در اندیشه، چون چشمه ای زلال، پر جوش و خروشند

در مجادله معیار و مقدار نیکو دارند و اهل صبر و بصیرتند

خوشبختان دو سرا که فرشتگان از رویت حال خوششان نغمه سرائی میکنند

هَمَانِ عِبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا

بندگان نیکویی که به زمین و زمینیان و به عرش و عرشیان خیانت نمی کنند

پویا پایداری



تفسیر

**این جهان جای توقف نیست خوشبخت آنکه او**

**چون نسیمی خوش گذشت از این گلستان بی خبر**

ملک الشعراء بهار



آیت الله محسن غرویابان

توصیه اخلاقی

**خوشبختی حقیقی همین احساس خوشبختی است**

انسان باید به این حس برسد که سهم خودش رو از التذاذات دنیا و این عالم هستی بفهمد

خوشبختی حقیقی احساس خوشبختی است. خوشبختی به مال و ثروت نیست کسانی هستن مال و ثروت فراوان دارند اما حس خوشبختی ندارند اینها واقعا بدبخت هستند و خوشبختی حقیقی رو حس نمی کنند و برعکس کسانی هستند که مال و ثروت چندانی ندارند اما همیشه در مقام رضا هستند، قانع هستند احساس خوشبختی دارند

خوشبختی حقیقی همین احساس خوشبختی است بنابراین اشتباه نکنیم که هرکسی پولدارترین ثروتمند است خوشبخت هم هست مهم اون حس خوشبختیها که از راه توکل بر خدا از راه رضایتمندی از زندگی حاصل می شود. انسان باید به این حس برسد که سهم خودش رو از التذاذات دنیا و این عالم هستی بفهمد و هر کس به همون سهمی که خداوند به او داده است راضی باشد البته این به معنای تنبلی نیست که انسان دنبال حرکت نباشد و تحرک لازم رو نداشته باشد اما معنایش این است که انسان قبول کند درون خودش که خوشبخت است راضی است این مهمترین نکته در بحث خوشبختی است



حمید امیددی

برداشت فلسفی

**خوشبختی به مثابه پایان خوش برای انسان**

انسان خوشبخت در هر حال سعادتمند است، چه سعادتمندی را شاد بودن بدانیم و چه آن را مساوی لذت

ارسطو در اخلاق نیکو ماخوس برآن بود تا زمانی که انسان به پایان راه زندگی نرسد نمی توان درباره این که او خوشبخت است یا نه ، سخن گفت. از این رو می توان گفت خوشبختی متعلق به کلیت انسان است.

انسان خوشبخت در هر حال سعادتمند است، چه سعادتمندی را شاد بودن بدانیم چنان که در نگاه و اندیشه غربی برخی چنین می پندارند، و چه آن را مساوی لذت، چنان که اپیکور می اندیشید . اپیکور انسانی را متصف به مقام خوشبختی می دانست که زندگی ساده ایی دارد و در عین حال به ارضای امیال اساس خود می پردازد.

در نگاه شوپنهاور فیلسوف آلمانی که بیش از دیگر فیلسوفان به مقوله خوشبختی پرداخته، انسان خوشبخت انسانی ست که از تمام کسانی که مایه رنج او هستند، دوری گزیند.

رمضان ۱۴۴۲ قمری  
پنجشنبه ۲ اردیبهشت

فرزانه بزرگیان



مروری بر

نهج البلاغه

**یک دل و دو پارادوکسی**

خودآگاهی جهانی یعنی آگاهی به خود در رابطه اش با جهان...

حکمت ۴۴

"خوش به حال کسی که به یاد مرگ باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند، با قناعت زندگی کند و از خدا راضی باشد."

امیرالمومنین، می فرمایند: خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، در کجاست و به کجا می رود؟

خودآگاهی جهانی یعنی آگاهی به خود در رابطه اش با جهان، در این آگاهی انسان در می یابد که جزئی از یک کل است به نام جهان، میدانند مستقل نیست، وابسته است... می خواهد وضع خود را با این کل مشخص کند، این نوع از خود آگاهی عالی ترین و لطیف ترین درمندیهای انسان را به وجود می آورد، درد حقیقت داشتن، این خود آگاهی است که انسان را تشنه حقیقت و جویای یقین می سازد...

در بیانی دیگر دیگر آمده که فقط حق است و باطل، ایمان است و کفر، دانش است و نادانی، خوشبختی است و بدبختی، بهشت است و دوزخ و نسبت به هیچ کدام شق سوم وجود ندارد، هرگز حق و باطل در یک دل جمع نخواهد شد...ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه (احزاب/۱) هلاکت و گمراهی مردم فقط از این جهت بود که تفاوتی بین امامان هدایت و پیشوایان کفر نگذاشتند و آنها را مساوی دانستند... صد افسوس بر این غفلت... به گفته ها و شنیده ها تکیه کردم، بدون اینکه خود تحقیق کنم، اسیر جهالت و خرافات شدم ، به آرمان ها و آرزوها چشم دوختم، نقد زندگی را از دست دادم، ندانستم خوشبختی مقصد نیست، خوشبختی پذیرش راه فطرت و خود جریان زندگی است.

فیص روح القدس از باز مدد فرماید دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می کرد



اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي فِيهِ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ، وَاهْدِنِي فِيهِ لِبِرَاهِينِكَ السَّاطِعَةِ، وَخُذْ بِنَاصِيئِي إِلَى مَنْ ضَائِكَ الْجَامِعَةِ، بِمَحَبَّتِكَ يَا أَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ.



سفر آئینی

زینب یوسفی

## روز باقیست به پایان مهمانی



### خوشبخت میشم!

#### شرط خوشبختی خیلی بلنده شاید راهی باشه ولی ندیدم و نرسیدم بهش

من فکر میکردم یک زمان دانشگاه قبول بشم خوشبخت میشم؛ که شد یک زمان معشوقی داشتم گفتم ازدواج کنم خوشبخت میشم که شد؛ یک زمان میگفتم دانشگاه تدریس کنم خوشبخت میشم، معلم بشم، که شد؛ گفتم مشهور بشم شهرت پیدا کنم که شد گفتم کتاب چاپ کنم که شد حدوداً ۶۰ تا اندی گفتم که ثروتمند بشم که تا حدودی شد اما همه اینها واقعا خوشبختی نشد چون الان در موقعیتی هستیم که دیوانه خانه ها پر، بیمارستانها پر، من بدون دیگران خوشبخت نمیشم، نخواهم شد چون شرط خوشبختی خیلی بلنده شاید راهی باشه ولی ندیدم و نرسیدم بهش امیدوارم که زنده باشم و ببینم که حداقل اطرافیانم، شهرم و کشورم و حتی مردم جهان در دنیا حداقل گرسنه نباشند همین رو میتونم بگم به دوستان عزیزم

فیض شریفی



گفتگو



میزان فرمان انسان

فرزین پور محبی

### ساله سیب گازده‌های برند ابل

ای بهترین دستگاه فلزیاب برای پیدا کردن گنج و رهایی از رنج برای ما آدمیان منگ! میزان فرمان انسان با دعای روز نهم ماه مبارک رمضان عصاره دعای فوق را در این جمله خلاصه می‌کنم: خدایا بهره‌ای از رحمت خیلی زیاد خود به ما بده تا خیلی به زحمت نیفتیم! ما سست تنبانان رانده شده از فردوس را دریاب؛ ما از ساله سیب گازده‌های برند اپلیم! بهشت را با هوا و هوس؛ هوا کردیم و با هوایی شدن هوا؛ خاک را انتخاب کردیم! اصولاً کسی که سرشتش از خاک است اند منتش هم به خاک است و همیشه خاک و خلی است؛ یعنی خاک بر سر و خفیف و خوار و خل و چل از سر تا پا! پس دوای درد ما خاکیان آماده وسوسه و آمدن سوسه؛ دربست؛ خودتی و بس! عمرا کسی به جز تو بتواند با نقشه راهی که ما را به سوی خوشبختی رهنمون می‌سازد؛ حال ما را بسازد؛ ای به قربان خط و خالت؛ خط بکش زیر نام ما را برای وکالت؛ ای راهنما؛ ای بهترین دستگاه فلزیاب برای پیدا کردن گنج و رهایی از رنج برای ما آدمیان منگ! من که به هر پول و پله‌ای و کاخ پر پله‌ای دلبستم من که دنیا را گرفتم در دستم حالا به کاره؛ با دستی دراز و رویی کم؛ جلویت نشستم. من هر چقدر بارم را بستم فقط دیدم که خسته‌ام؛ پول خوشبختی نیاورد که هیچ؛ خیرسرش استرس از دست دادنش را براریم به سوغات آورد! مخلص کلام اینکه الان دخیل بستم تا بگیری دستم و تا نگیرم از دستت؛ آن بسته‌ای که کند سرمستم؛ جایی نمیرم و همین جا بسط نشستم.... یا اَمَلِ الْمُشْتَاقِينَ

### «سَحْرُو» و «گَم گَم یا سحری»

نام گم گم از صدای طبل و دُهلای گرفته شده است که یک نفر با در دست داشتن «دمام» و دیگری با فانوس به منازل محله می‌روند

مردم هرمزگان و بوشهر همه ساله ماه مبارک رمضان را به سبک و روش ویژه خود انجام می دهند که برخی از این آیین‌ها همچون آیین «سَحْرُو» و «گم گم یا دم دم سحری» خاص این استان ها بوده و از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. این آیین یکی از سنت‌های مرسوم مردم هرمزگان و نواحی شمالی استان بوشهر در رمضان است که مردم با شنیدن نوای دل‌انگیز دم دم سحری برای ادای فریضه الهی برمی‌خیزند و هم‌اکنون این سنت حسنه در برخی از نقاط استان از جمله شهرستان جاسک و در محله‌های سیدکامل، پشت شهر، محله فینی‌ها و حسین آباد اجرا می‌شود و می‌توان گفت این سنن و آیین‌ها جزو میراث معنوی و ناملموس این مناطق محسوب می‌شود. نام گم گم از صدای طبل و دهلای گرفته شده است که یک نفر با در دست داشتن «دمام» و دیگری با فانوس به منازل محله می‌روند و با نواختن ضربه‌های آهنگینی و سرودن اشعار و دعا افراد را برای خوردن سحری و روزه گرفتن آماده می‌کنند. در پایان ماه رمضان این افراد برای گرفتن عیدی خود دوباره با نواختن دهل به در منازل رفته و مردم برای قدردانی، به آن‌ها هدیه و عیدی می‌دادند. نوع دیگری از این آیین نیز با مناجات خوانی بر بام خانه‌ها یا مساجد با صدای بلند مرسوم است که یک ساعت قبل از اذان صبح مردم محله را بیدار می‌کنند و قبل از رسیدن اذان نیز با خواندن مناجات به آن‌ها اطلاع می‌دادند که لحظه اذان نزدیک است.



# خدایا، برای من در این ماه بهره‌ای از رحمت گسترده‌ات قرار ده و به جانب دلایل درخشانت راهنمایی کن و مهارم را گرفته به سوی خوشنودی فراگیری متوجه کن، به مهرت ای آرزوی مشتاقان

گردآوری:  
ارشیا عبدی



از دیدگاه شما



- خوشبختی یعنی لذت بردن از اون چیزی که هستی و اون چیزهایی که داری
- خوشبختی به عامل درونی هست که به چیزای بیرونی به شدت مربوطه
- خوشبختی احساس رضایت است. هر آن کس که هم اکنون از خودش و جایگاهش احساس رضایت دارد، خوشبخت است.
- خوشبختی از نظر هر کسی میتونه معنی خاصی داشته باشه، بعضیا خوشبختی رو در مادیات میبینن بعضیا در سلامتی یا کار خوب میبینن.
- اما به نظر من خوشبختی یعنی اینکه آدم از تک تک لحظاتهش راضی باشه فکر میکنم رضایت دقیقاً همون خوشبختیه
- خوشبختی یعنی راضی بودن از زندگی و عمری که داشتی

بهاره راد

معرفی کتاب



## فکر را می شود عوض کرد

فکرهایی که آزارت می دهند هر چه هستند فقط فکرت کتاب خوشبختی در یک کلام

همه می گویند که ما مسئول خوشبختی خودمان هستیم. اما هیچکس راه و روش رسیدن به خوشبختی را به ما نمی گوید. کتاب خوشبختی در یک کلام آمده است تا راه و روش را به ما یاد بدهد. اندرو با زبانی ساده، روان و با استفاده از بیانی طنز، نقش انسان را در تغییر سرنوشت خود و کسب خوشبختی نشان می دهد و ذهنیت هر فرد و فلسفه‌ی زندگی او را مسئول شرایط زندگی فعلی اش می داند. معمولاً بهترین نقطه برای شروعی تازه همان جایی است که هستی! پیش از تغییر آدرست، به تغییر فکرت بیندیش! وقتی خودت تغییر کنی اوضاعت هم تغییر می کند این قانون است. این جملات ناب بخشی از کتاب خوشبختی در یک کلام است. اندرو ماتیوز نویسنده این کتاب به فکرهای آزاردهنده اشاره داشته و می گوید فکرهایی که

آزارت می دهند هر چه هستند فقط فکرت و فکر را می شود عوض کرد هر لحظه می توانی تصمیم بگیری که آدم خوشبختی باشی. این کتابی هست با حجم متنی کم ولی تاثیر گذار و مفید، نویسنده سعی کرده موارد مهمی را که در ایجاد اساسی زندگی روزمره اهمیتش را نادیده می گیریم بصورت نت و تصاویری که در ذهن می ماند در خاطر ما ثبت می کند.

خوشبختی در یک کلام

نویسنده و تصویرگر اندرو ماتیوز  
ترجمه فریاد



حسین رهاد

داستان کوتاه



## خورشت مرغ

«راستش چنگال نداریم یعنی نیازمون نمی شه معمولاً.»

کارگران اداره‌ی راه برای طرح سازندگی در روستا مستقر شده بودند. کوچه‌ها را صاف می کردند و جدول کشی می کردند. مسئولیت آشپزی برای کارگران را کلب شکرالله و یار سیم و سنجاقش اکبر به عهده گرفته بودند. اکبر در دوران سربازی اش کف آشپزخانه را جارو می کشیده و از همان وقت به بعد خودش را آشپزی خیره می دانست. شکرالله به پیشنهاد عمه زهرا حسن کله را هم با خود می برد. اوضاع مالی اکبر از افتضاح هم آنورتر بود. در خانه‌ای پنجاه متری، شیش هفت نفری می لولیدند و غذای غالبشان تخم مرغ بود. غذای آن روز کارگران خورشت مرغ بود. اکبر و شکرالله همیشه اندازه‌ی ده نفری بیش تر پول برای مواد اولیه فاکتور می کردند. سر ظهر بعد از این که غذای کارگران را دادند به خانه‌ی اکبر رفتند. اعظم زن اکبر پارچه‌ی بزرگی را به عنوان سفره پهن کرد. شکرالله و اکبر با دقت خاصی برنج و مرغ را کشیدند. شکرالله به حسن کله گفت: «بشین غذا رو بخوریم.» حسن گفت: «آب توی قابلمه از کل آب قنات بیش تره. من اون غذا رو نمی خورم.» شکرالله گفت: «به جهنم.» بچه‌های اکبر چشم‌هاشان شیشه شده بود. این که غذاشان از تخم مرغ به خود مرغ رسیده بود آن قدر غیرقابل پیش بینی بود که همه غافلگیر شده بودند. شکرالله گفت: «اعظم چنگال هم بیار، این مرغ تیکه‌هاش بزرگه.» اعظم نزدیک شکرالله شد و آرام گفت: «راستش چنگال نداریم یعنی نیازمون نمی شه معمولاً.» شکرالله ناخودآگاه سرش به سمت بچه‌های اکبر چرخید و دید که تیکه‌های مرغ را در دست گرفته‌اند و با هر قاشق برنج، مرغ بی نوا را گازی می زنند.